

پرونده ویژه ۲ (یادبود استاد صندوقی)

شرح حال استاد صادق صندوقی

(تصویرگر)

به قلم خودش

۲۲۷

گفت و گو با:

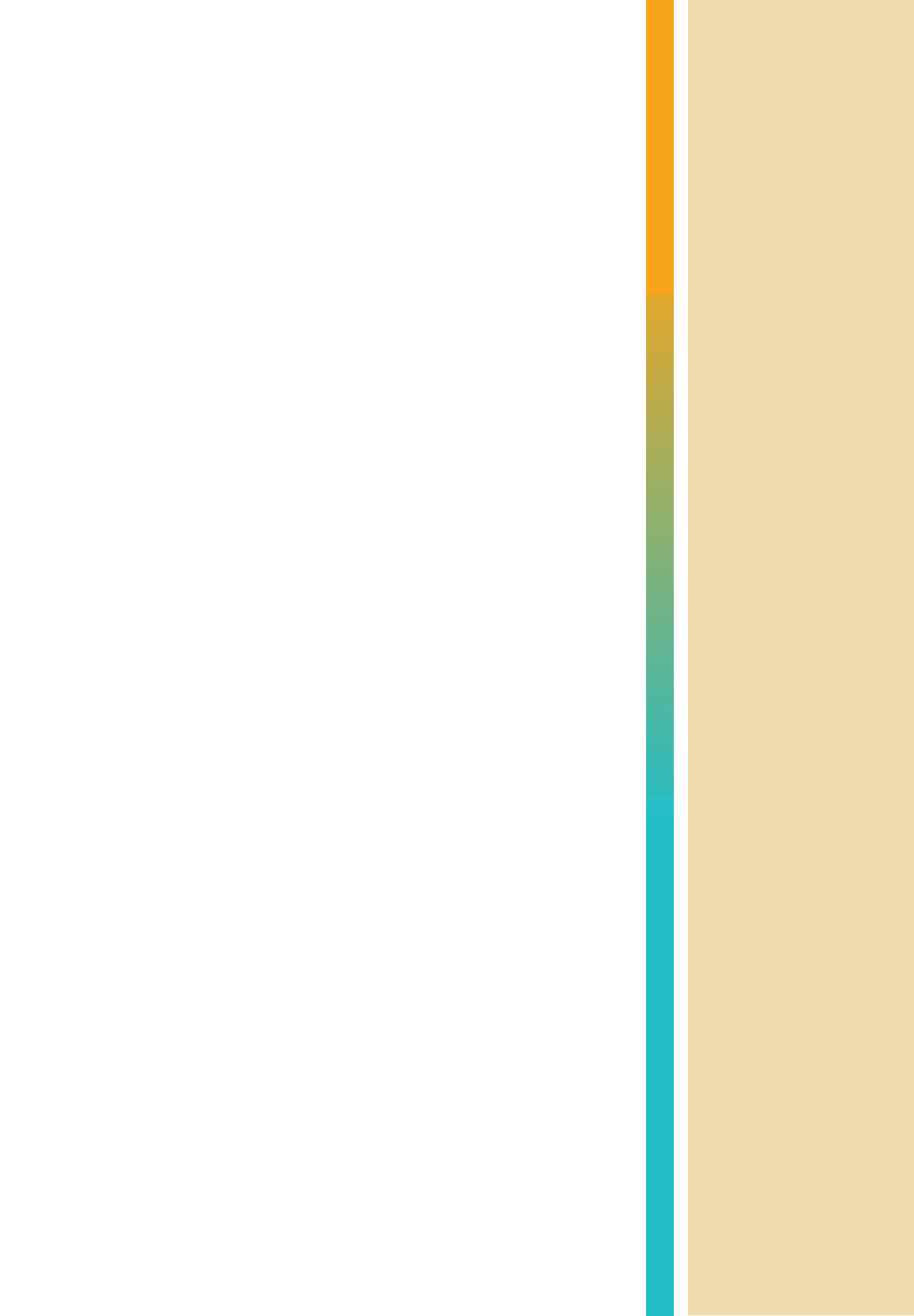
استاد مکتبی

۲۲۳

تاریخچه

تصویرگری ایران

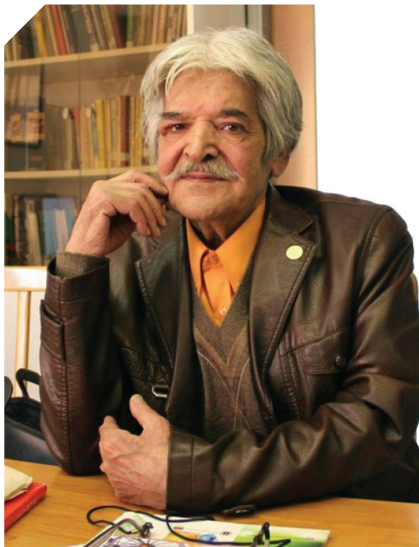
۲۴۱



شرح حال استاد صادق صندوقی (تصویرگر) به قلم خودش

اشاره

مرحوم استاد صادق صندوقی از پیشکسوتان عرصه تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان و به‌ویژه کتاب‌های درسی است که همه کودکان و نوجوانان دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ با آثار ایشان آشنا هستند. استاد صندوقی به دلیل علاقه به کودک و نوجوان، علاوه بر کارهای تصویرگری، آثار خلاقانه‌ی انگیزشی و هنری ویژه‌ای هم داشت و از جمله ابداع‌کننده کارتهای آفرین در حوزه نظام آموزشی کشور است. ایشان که از کارشناسان خبره سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بود، در ۳۱ مردادماه سال ۱۳۹۷ زندگانی را بدرود گفت. به مناسبت گرامیداشت یاد آن بزرگوار، در این شماره پرونده ویژه‌ای برای مرور تصویرگری در کتاب‌های درسی ارائه کرده‌ایم. مطلع این پرونده، زندگانی خودنگاشت شادروان استاد صندوقی است. روحش شاد باد.



«صادق صندوقی» هستیم؛ تصویرگر کتاب‌های درسی و نقاش بیش از دو هزار جلد کتاب کلاسیک و دواین شعرا. متولد پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ شمسی در همدان، سر پل یخچال، خیابان بوعلی، از مادری همدانی به نام فردوس و پدری روس تبار که در کودکی به دلیل شایعه مسلمان‌کشی بلشویک‌ها در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، به ناگزیر همراه خانواده از زادگاهش شوروی، ابتدا به «آدانا»ی ترکیه و سپس در ۲۰ سالگی به ایران پناهنده می‌شود که بعدها به خاطر شغلی که انتخاب می‌کند، در همدان به نام محرم کبابی معروف می‌شود که بی‌شک نسل‌های دهه‌های بیست و سی شمسی، کباب‌های ترکی استامبولی‌اش را به خوبی به او یاد دارند. و اما گرایش و علاقه من به نقاشی، درواقع از رنگ‌آمیزی کتاب‌های درسی برادر بزرگ‌ترم که تصاویرش آن زمان به‌صورت سیاه و سفید چاپ و منتشر می‌شد پا گرفت. البته اضافه کنم که در



دهه ۳۰، به علت فقدان کلاس و کارگاه‌های آموزشی در محیط مهاجر و بسته همدان، تنها منظر نگاه تشنه من در زمینه یادگیری هنرهای تجسمی، دیدن پوسترهای سینمایی فیلم‌ها و همچنین تابلوهای سر در مغازه‌ها بود که غالباً با امضای پرچم، ارژنگ و ملکی در معبرها و میدان‌ها نصب می‌شدند و نیز رؤیت برخی نقاشان هنگام انجام کار، فکر و ذهن مشتاق مرا به خود مشغول می‌ساخت. بعدها نیز دیدن نقاشی‌های مجلات و کتاب‌هایی که با امضای استادان تصویرگری نظیر بهرامی، تجویدی، دول، مستشیری و مسعودی امضا شده بودند، در واقع نگاه کنجکاو مرا در ادامه راه مشتاق‌تر کرد. در واقع بهره‌گیری از راه و روش این استادان در حوزه تصویرگری مطبوعات کلاس، درسی شد برای منی که از نعمت کلاس نقاشی و همان‌طور مدل‌هایی با چاپ و کیفیت بهتر محروم بودم.

رفتن به دبستان که با تشویق و ترغیب معلمان آگاه و دلسوز همچون آقایان بلالی، اسدیان، دزفولی، پورراد، شریفی و شیوا در دبستان‌های «پرورش، شکیبا و هاتف» همراه بود، باعث شد مسیر آینده‌ام را مشخص کنیم، طوری که بلافاصله با اخذ مدرک سیکل اول متوسطه از دبیرستان «علویان» همدان مشتاقانه و پیگیر راهی تهران شدم و در «هنرستان هنرهای زیبای پسران» نام‌نویسی کردم و زیر نظر استادان زبده مثل ویشکایی، وزیرمقدم، نامی، مقیمی، حالتی، قهاری، دکاء و کاظمی قرار گرفتم.

همین حضور در هنرستان و تلمذ و تحصیل در آنجا باعث شد من ضمن تحصیل دروس کلاسیک، باب تازه‌ای را در نوع نگاهم به نقاشی نو و درک آثار هنرهای مدرن بگشایم. متأسفانه در گیرودار تحصیل در هنرستان، پاره‌ای مشکلات شدید مالی ناشی از بیماری برادر نوجوانم که منجر به فوتش گردید، ورشکستگی پدر و مسائل عدیده دیگر موجب شد



تن به کار مادی بسپارم و همراه برادر بیمارم به شبیه‌سازی و عریضه‌نویسی مشغول شوم. خوشبختانه در این راستا از طریق یکی از رهگذران گزینش و در نشریات معروف آن زمان نظیر «دانشمند، صبح امروز و تهران مصور» به‌عنوان طراحی تیتراژ «آیکن» و تصویرگر شروع به کار کردم که اولین کار روی جلد رنگی‌ام در سال ۱۳۴۲ با موضوع «عاشورا» منتشر شد. پس از کسب مدرک هنرستان، به خدمت وظیفه در کسوت سپاهی دانش درآمدم و به روستای فیروزآباد شهرستان اسفراین اعزام شدم که فرصت مناسبی برایم پیش آورد تا فارغ از دغدغه‌های مالی و معیشتی، در خلوت روستا، به کار جست‌وجو در زمینه‌های بومی هنر مملکت‌م بپردازم.

سال ۱۳۴۵، پس از پایان خدمت وظیفه، با وجود شغلی با درآمد مکفی، به دلیل عشق و علاقه‌ام به محیط روستا و آموزش، به استخدام آموزش و پرورش درآمدم و به‌عنوان آموزگار دوره ابتدایی، مشتاقانه راهی روستاهای کشورم من جمله آذربایجان غربی، روستاهای قباقلندی، کوخان و مدتی نیز در نوبران ساوه شدم و جست‌وجوهایم را در زمینه هنرهای سنتی کشور عزیزم از جنبه‌های بصری و تجسمی ادامه دادم. لیکن، بعد از چندی، با قبولی در آزمون آموزش ضمن خدمت در «انستیتو تربیت مربیان امور هنری»، به ناچار به پایتخت اعزام و زیر نظر استادان زبده هنرهای هفت‌گانه نظیر آقایان **سلحشور، زهری، گلزاری، معتبر، حلیمی و شاه‌محمدی** قرار گرفتم که در پایان دوره به‌عنوان دانشجوی ممتاز و شاگرد اول فارغ‌التحصیل



و به ناچار در تهران و در «مرکز مطالعات و تحقیقات ملی و میهنی» وزارت آموزش و پرورش ادامه خدمت دادم.

شایان ذکر است، در ساعات غیراداری، همچنان به انجام سفارش‌های هنری که بیشتر شامل روی جلد کتاب‌ها و کارهای فرهنگی دیگر بود می‌پرداختم. در این رهگذر و دو سه سالی قبل از انقلاب اسلامی، از جانب «حاج آقا ابوالفتح دعوتی» تصویرگری چند کتاب مذهبی به حقیر سفارش داده شد که چاپ و انتشار آن‌ها بلافاصله با استقبال زیادی، به خصوص از طرف قشر جوان و نوجوان مواجه شد که خوشبختانه علاوه بر بهبود وضع مالی و اقتصادی‌ام، به نوعی به معروفیت حقیر در سطح کشور انجامید.

با شروع انقلاب اسلامی و در روند کار اداری‌ام، ابتدا به اداره کل امور تربیتی و سپس به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتقل شدم و اوقاتم به تصویرگری مجلات رشد و همچنین نقاشی کتاب‌های درسی در «دفتر چاپ و توزیع کتب درسی» وزارت آموزش و پرورش گذشت که در نهایت ۱۰ سال آخر خدمتم را آنجا سپری کردم و آن‌ماه ۱۳۷۷ به افتخار بازنشستگی نائل شدم.

باید اضافه کنم که نعمت بازنشستگی برایم فرصتی نیکو فراهم ساخت تا جانانه و پیگیر به کار هنری بپردازم که حاصلش برپایی و تشکیل نمایشگاهی شد در سال ۱۳۸۲ شمسی در کشور ایتالیا و در گالری بین‌المللی «سن اگوستین رُم» و «گالری گره» در شهر «تورین» ایتالیا که بی‌نهایت مورد استقبال نوادگان داوینچی و رافائل قرار گرفت. همان سال نیز وزارت آموزش و پرورش در حاشیه اولین جشنواره تصویرگری کتب درسی، از من و استاد مرحوم پرویز کلانتری، به‌عنوان پیشکسوتان تصویرسازی کتاب‌های درسی تجلیل و تکریمی شایسته



به عمل آورد و در اسفند ۱۳۹۲ نیز شهرداری تهران (منطقه ۷) به کاشت نهالی در بوستان اندیشه تهران به نام و به دست این حقیر اقدام کرد.

در پایان و با اختتام فرصت و اغتنام رخصت باید عرض کنم، در سال ۱۳۹۱ نیز از سوی شورای عالی ارزشیابی هنرمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، به اخذ مدرک درجه یک هنری که معادل درجه دکترا در رشته تصویرگری است، نائل شدم و متعاقب آن به عضویت مؤسسه «هنرمندان پیشکسوت» درآمدم که خوشبختانه با الطاف فراوان مسئولان خدوم و زحمتکش این مؤسسه، از مزایای آن بهره بردم و می‌برم.

لازم به یادآوری است، در طول سال‌ها خدمت فرهنگی و انتشار روی جلد کتاب‌های گوناگون، کارت‌های آفرین، نقاشی تمبر و غیره باعث نوعی شناخت من در بین دانش‌آموزان امروز و فرهیختگان امروز شده است که همگی معروفاند به اینکه اولین بار عشق به کتاب‌خوانی را جلد‌های جذاب و زیبا در آن‌ها شکوفا کرده و علاقه‌مندان ساخته است. طرفه آنکه اغلب چهره‌ها و سیمای شخصیت‌های تاریخی را اولین بار از طریق چهره‌هایی که سال‌ها پیش برایشان ساختم در ذهن و تخیل خویش مجسم کرده‌اند و می‌کنند. بنابراین، با افتخار می‌گویم: «خوش‌حالم که در کیف هر دانش‌آموز ایرانی حداقل یکی از نقاشی‌های من وجود دارد».

در خاتمه جا دارد در این راستا از مسئولان فرهنگی همدان که به فکر پیشکسوتانی هستند که مویی در این راه سفید کرده و قامتی در این وادی خم کرده‌اند، تشکر کنم و قدردان عزیزانی باشیم که دلسوزانه و پیگیر به طریق گوناگون شرایط تکریم از هنرمندان را فراهم ساخته‌اند و می‌سازند.

- ۱۳۲۵: متولد در همدان.
- ۱۳۴۰: اعزام به تهران و ثبت‌نام در هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران.
- ۱۳۴۱: ورود به مطبوعات به‌عنوان تصویرگر مجلات صبح امروز، دانشمند و تهران مصور.
- ۱۳۴۲: چاپ و انتشار اولین کار روی جلد رنگی‌ام تحت عنوان «عاشورا».
- ۱۳۴۴: فارغ‌التحصیل از هنرستان و اعزام به خدمت وظیفه در کسوت سپاهی دانش در اسفراین.
- ۱۳۴۶: همکاری با سازمان «گرافیک» زیر نظر استادان فرهیخته آقایان پاکباز و جودت.
- ۱۳۴۸: استخدام در وزارت آموزش و پرورش در کسوت معلم ابتدایی در آذربایجان غربی و ساوه.
- ۱۳۵۱: قبولی در آزمون آموزش ضمن خدمت فرهیختگان و ادامه تحصیل در «انستیتو تربیت مربیان هنری».
- ۱۳۵۳: فارغ‌التحصیل با مدرک فوق دیپلم، به‌عنوان شاگرد اول انستیتو.
- ۱۳۵۴: انتقال از ساوه به تهران به‌عنوان کارشناس امور نمایشگاه‌ها در «مرکز تحقیقات و مطالعات ملی و میهنی».
- ۱۳۵۵: همکاری در «آتلیه هنر» تحت عنوان نقاش و مذهب و تصویرگر.
- ۱۳۵۶: اهتمام به انجام یک سری روی جلد قصص اسلامی به سفارش حاج آقای دعوتی.
- ۱۳۵۷: شروع انقلاب اسلامی و انتقال به قسمت امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۳۶۶: انتقال به دفتر «چاپ و توزیع کتب درسی»، به‌عنوان تصویرگر مجلات رشد و کتاب‌های درسی.
- ۱۳۶۶: ادامه همکاری با «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی» وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۳۷۷: افتخار بازنشستگی در آبان‌ماه.
- لازم به یادآوری است، علاوه بر انجام وظایف اداری، در ساعات غیراداری، همچنان از سال ۱۳۴۱، به نقاشی و تصویرگری در زمینه‌های روی جلد کتاب‌های مختلف، اعم از داستان‌های کلاسیک برای کودکان و بزرگسالان، دواین شعرا، تذهیب و تشعیر، نقش قالی، نقاشی تمبر، کاریکاتور، لوگوی جشن‌های تولد و ازدواج، کارت‌های آفرین و غیره ادامه داده‌ام که همچنان نیز ادامه دارد.
- ۱۳۸۱: دریافت لوح افتخار چندین جشنواره داخلی.
- ۱۳۸۲: تجلیل و بزرگداشت حقیر و استاد مرحوم کلانتری در حاشیه اولین جشنواره تصویرگری کتب درسی.
- ۱۳۹۱: اخذ نشان درجه یک هنری، معادل دکترا، از شورای ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳۹۲: کاشت نهالی به نام و به دست حقیر در بوستان اندیشه شهرداری منطقه ۷ تهران.
- تنها نمایشگاه انفرادی‌ام در سال ۱۳۸۲ در ایتالیا و شهرهای «رم» و «تورین» برگزار شدند.